

واتع مائة ابراهيم حنيفاً
بيروي كنيد كيش ابراهيم بانك را

ديں حنيف يا رساله حنيف

حرره تدریش تراشی



(بفلم)

دانشجوی محترم

اقاي علی اکبر صبوري قمی

- نزيل -

(نجف اشرف)

قال الله صلى الله عليه وآله وسلم
حلى الاحبة من المثلث و هو مثل
وعلمه لعنه الله

فرمود بهفمر اکرم (ص) تراشیدان
أردن نوعی از مثلثه کردن است
هر کس مثلثه کند لعنت خدا بر اوست

طبع في المطبعة الحيدرية في النجف الأشرف

وابع والد ابراهيم حنيفنا
برزده كسيد كدس ابراهيم پاك را

دين حنيف يارساله حنيفيه

حرمت ريش تراشى



(بفلم)

دانشجوی محترم

اقاي علي اكبر صوري قمي

- نزبل -

(نجف اشرف)

قال النبي صلى الله عليه وآله وسلم
حائى اللاحية من المثلة ومن مثل
فعايه لعنه الله

درمود به نمبر اکرم (ص) تراشیدن
ریش نوعی از مثله کردن است
هر کس مثله کند لعنت خدا بر اوست

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

« تقریظ بقلم الخلد آية الله السيد ميرزا عبد الهادی الشیرازی »

« ادام الله بعائمه »

بسم الله. والله. الحمد وافضل صلواته على افضل بريته محمد وآله
 صلى الله عليهم اجمعين . احقر ابن رساله شريفه را كه از تاليفات
 جناب مستطاب ثقة الاسلام مروح الاحكام العالم العامل والبارع
 الزكي الكامل آغا شيخ على اكبر الصبوري العمى دامت
 توفيقاته وتبائاته است مطالعه نمودم الحق والانصاف بكونها
 نهوده وجهات مسئله را بنحو اوفى با استدلال بيان فرموده
 شايسته هر نوع مسكر وتقدير است حزه الله عن الاسلام خير
 الجزاء وحشره الله مع الجاهدين في سبيله والمحامين عن دينه

الأفل عبد الهادی الحسيني الشیرازی

في ١٤ جمادى الثانیة سنة ١٣٦٨

« تقریظ بقلم العلامة حجة الاسلام الشیخ محمد محسن (المدعو) »
 « بأقازرك الطهرانی »

بسم الله الرحمن الرحيم

سپاس کمذاری روا نیست مگر آن یکانه بی همتارا که در فطرت
 هر مخلوقی ثما کوئی خود را یاد کار گذارده « مامن شیء الا یسیح
 بحمد ربه » و در طبعت هر بشری قوه شناسائی خویش را میکنون
 داشته « ما خلقت الخن والانس الا ليعبدون » پس زهی سعادت مند
 خواهد بود کسی که ما را تقدیر فعلی شود سعی کردن در رسانیدن
 خود را بنتیجه زندگانی خود و صرف نمودن سرمایه عمر و هوئی را
 در پیدا کردن راه راست سعادت مندی و ابرائی خود و نشان دادن آنرا
 با بناء جسد خود و الحقی و الاوصاف که کبری این سعادت را کما هو
 حقیه ربوده است مؤلف این کتاب و مستطاب که مطالعه و محاضرات آن
 و معنی از تمرین و انوار و احاط است به هر الفاحصل المارح الکامل المانع
 مراتب الشیخ الکبار و هو فی ترمج الشهاب و لانا الشیخ علی اکبر
 الصبوری العمی اکثر الله فی جملة العلم امثال و بانة غایه آمانه چه آنکه
 این وجود شریف از آنجه در طینده دین داری و حتی پرسی بود که
 کوتاهی نموده بر تکالیف اخلاص و مالی از کمال و مسائل این مزرعه
 قانون دین حقیف را که دست اراد و اوائش ناس و سفل و وجهال
 عوام آنرا گرجان کرده مشت نانی نموده و این معصیت کبیره را که
 آنان آنرا حقیر شمرده بلکه آنرا از مباحثات اصبله در انتظار و لم داد
 کرده اند بصددای بلند عظمت و بزرگی آنرا ~~مکسر~~ کشش ابناء هوش
 رسانیده و عزاد الله عن حایة دید و قانونه خبر جزا، المحسنین و حمیره
 مع العالما - العالمین فی اعلی علیین و الحمد لله رب العالمین و الصلوة والسلام

على رسوله محمد وآله الطاهرين
حرره اهل العباد عملا واكثرهم ذنبا وجرما المعصية المسمى بمحمد
محسن والمدعو بآقا بزرگ العلهراني نزيل الغري السري والنجف الأشرف
في « ١٢ / ج ٢ - ١٣٦٨ »

« تقریظ بقلم العلامة الحجة آقا محمد علي الغروي الاربدوبادي »

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله وسلام على عباده الذين احببني

اين سفر شريف كه بنحو اوفى وارد مستله بطريقه شايد خارج
وعهده دار جهات مطاب بصوره مرضيه است يكي از حسنات عصر
حاضر میباشد فحيا الله مؤانده العالم البارع مؤثره الوف وغره الرمن
العلامة الاوحد الشيخ علي اكبر الصبوري القمي لاراله حامية الدين
وداعيه الهدى

الأحقر محمد علي الغروي الاربدوبادي

حرر في ١٤ ج ٢ / ١٣٦٨

سبب تألیف

چون حقیر سال گذشته از عذبات عالیات بقصد زیارت حضرت رضا علی بن موسی علیه آلاف التحية والسلام رهسپار یاران شدم و خوب در وضع دبات جامه تکاوش و کنج کاوی نمودم دیدم و افعا بقدری قبیح اعمال محرمه از نظر جامعه رفته بطوریکه اصلا بعضی از محرمات الهی را انکار و در مقام تحلیل آن محرم هستند یکی از محرماتی که فملا غالب مردم مخصوصا متجددین (عصر اتم) مرتکبند همانا تراشیدن ریش است که اصلا فبیحی ریش آنها ندارد بلکه گذاشتن ریش را قبیح میدانند و اگر آنها را هم نمی از این عمل شنیع بنانی در جراب میکوبند در کدام از صفحات قرآن این عمل سده و مادر صمحه ۸ در خطای جاهلان در احکام سریعیه همین نمودیم که این حکم الهی « حرمة ریش تراشی » در کدام از صفحات درج شده و از چه شخصی باید احکام الهی را اخذ کرد ولذا بعد از مراجعت بنجف اشرف حائره و بشدم درس یکی از مدرسن طراز اول نجف اشرف و ایشان خارج مکاسب محرمه تدریس مینمودند و موقعی که مسئله حرمه لهو و لعب را با آخر رسانیدند بعضی از فضلائ حوره درس را بشان خواش نمودند که در راه و در حرمه و در تراشی بحث نمایند و اینان هم کما هو حقده تمام ادله حرمة را از آیات و اخبار و عقل و سیره و اجماع بیان نمودند و حقیر مطالب را با اسلوب ساده نکاشتیم و نازیادتی اجماع مذاهب اربعه بر حرمه ریش تراشی و اقوال اطاء قدیم و جدید در مضرات ریش تراشی

اقل الطلابة لخدمة العلم والدين

علي اكبر الصبوري الفهمي

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشنانیده بخشایشگر

پس از ستایش و سپاس خداوند جهانیان و صلوات و سلام بر اشرف
ممکنان و سید کایات و خلاصه موجودات محمد بن عبد الله صلی الله علیه
و آله و سلم و صلوات بیحد حصص بر روح پائنه جانشین بلا فصل و خایه
بر حق و بی مولی الکوین علی بن ابیطالب ع و بر بازده فرزندان
اوباد خدایرا سپاس که درهای دانش را بروی ما کشود تا علوم
اسلامی را پایدار کنیم و کتمان حقایق او نشود

« مقدمه اول »

(مضرات کتمان احکام شرعیه)

« سوره بقره » { ان الذين يكتفون ما انزلنا من الديات والمهدى

من بعد ما بيناه للناس في الكتاب اولئك يلعنهم اللاعنون . الا الذين

تابوا واصلحوا وبنوا فلولئك اتوب عليهم وانا التواب الرحيم . ان

الذين يكتفون ما انزل الله من الكتاب ويشترون ثمنا قليلا اولئك ما

ياكلون في بطونهم الا السار ولا يكلمهم الله يوم القيمة ولا يزيكهم

ولهم عذاب اليم . اولئك الذين استروا الضلالة بالمهدى والعذاب بالمغفرة

فما اصبرهم على النار ذلك بان الله نزل الكتاب بالحق وان الذين اخفوا

في الكتاب لفي شقاق بعيد

« ترجمه » بدرستی که کسانی که مخفی میدارند آنچه را که نازل

کردیم از بیان آشکار و واضح و هدایت پس از اینکه او را برای همه

مردم آشکار نمودیم در کتاب آنها را خدا و لعنت کنندگان (ملائکه

و پیغمبران و اولیاء) لعنت میکنند مگر کسانی که توبه و خود را

اصلاح بنمایند و احکام الهی را آشکار کنند از آنها میکذرم و من

آمرزنده ام و مهربانم و میفرماید بدوستی که کسانی که مخفی میسازند چیزی را که خدا در کتاب نازل کرده و او را میفرورشد بشمن قلبی آنها نمیخورند در شکشان مکر آتش را و خدا با آنها سخن نمیگوید و آنها را با کینه نمیکنند و عذاب دردناک برای آنها است و آنها کسانی هستند که هدایب را فروختند و ضلالت و گمراهی را خریدند و حق در آتش جهنم صبر خواهند کرد برای اینکه خدا کتاب را بحق نازل کرده و کسانی که در کتاب اختلاف نمودند برای مخفی کردن احکام الهی در سر یاجی و سر گردانی و دوری هستند. ای متظاهر من بدینان بدانید که احکام الهی تمامی از عبادات و معاملات و سیاست برای جلب مصالح و دفع مفسدات جعل شده اگر مخفی شود بشر از مصالح آنها محروم و مفسداتی دچار خواهد شد که باعث تسویش و اختلاف کلمه مابین افراد جامعه میشود و هر کس روی هوی و هوسی که دارد حکمی و رأی اتحاد میکند و عموم مردم دچار سر گردانی و بلا تکلیفی میگردند

« مقدمه دوم »

(وظیفه جاهلان در احکام شرعی)

در شریعت اسلام تمام تکالیف بشر از جزئی و کلی معین شده بطوریکه هر کس بوظیفه ممرره خرد عمل نماید هیچ نقص و خللی در امور او وارد نخواهد شد از حمله تکالیفی که برای جاهل مقرر شده در شریعت انور در ابتداء امر رجوع نمودن او بعالم در احکامی که راجع بدین است و انسان اگر فوه استباط ندارد باید در تمام احکامش از جرئی و کلی رجوع بمنفی و عالم نماید و حق ندارد بدون کسب عالم چیزی بگوید و حکمی را بمان نماید و این اصل موافق

عقل و ادب شرعیه و دینیه و در اندک شیره و قنر و متر و غ و غیره و سایر
است بلکه یکی از جلیلات نوع بشر است که باید در تمام علوم حتی
صنایعی را که بی بدید انسان اگر خواسته باشد اطلاع از او پیدا
نماید بدون رجوع به عالم آن فن و صنعت از برای او حاصل نمی شود
و لکن عملاً بی نیازیم که این اصل سهامی را که عقل هر ذی شعوری
بر او حاکم است تحلی شده حتی برسانه مجتهدین هم و فهمی که ندارد
نستد بر خلاف حکم آنها سخن رانده اگر جاهلان مدعیان دانات باین
اصل معتقد میشوند و هر کس بمجتهدی که مرجع اوست رجوع نمی
نمود و بدون کفایت او سخنی نمی راند هر کر اختلاف کلمه و تشکیک
آراء و مفاسد دیگر تولید نمی شد و در حدیث وارد شده « لوسکت
الجاهل بما لا یعلم لم یختلف انان » یعنی اگر جاهل ساکت باشد از آنچه
را که نمی داند اختلاف مابین دو نفر پیدا نمی شد از این پس مدعیان
اختلاف همیشه جهال هستند برای رفع این اختلافات چاره نیست
جز اینکه مجال داده نشود بجهال که در احکام شرعیه و تعیین تکالیف
نوعیه بدون رجوع بمجتهد دخالت کنند.

« مقدمه سوم »

(خطای جاهلان در احکام شرعیه)

اگر سؤال کرده شود از این اشخاصی که مقداری بمسئله و معاد
فائلند چرا این عمل قبیح را مرتکب میشوید در جواب میگویند در
کدام از صفحات قرآن نهی از این عمل شده اولاً باین شخص
میگوئیم تو خودت که فرآن فهم نیستی تا اینکه بفهمی نهی وارد
شده یا نه و بمقتضی مقدمه دوم باید رجوع به عالم فن نمائی و ثانیاً این
کتاب آسمانی که نازل بر پیغمبر اسلام شده و تمام کلیات احکام اسلام

از عبادت و معاملات و سیاسات در این کتاب تجرید بر عهده بیغمبر اسلام است که برای امت خود بیان نماید و بعد از خودش هم وصی قرار داده و فرمود این کتاب از عنبره من جدا نمیشود تا اینکه روز قیامت وارد شوند برهن و سؤال مینمائیم از این اشخاص که در کدام اوصاف و صفات قرآن نوشته شده نماز صحیح دو رکعت است و بجه نحو باید خوانده شود و بجه نحو باید حج نمود و غیر ذلک از احکام مادر جواب از طرف این اشخاص میگوئیم که بیانات این احکام راجع به بیغمبر ص اسلام است و بعد از خودش هم محول فرمود بائمه معصومین علیهم السلام و فعلاهم که زمان غیبت است بیان این احکام راجع است بخامیان دین و مجتهدین اسلام که خود امام ایها را تعین نموده است از برای بیان کردن احکام و رجوع کردن مردم بابها بس بنا بر این باید رجوع بمجتهدین نمود و بدون جهت دروغ بر خدا و بیغمبر نندید که دروغ گفتن بخدا اکیداً در قرآن کریم و احادیث شریفه ممنوع شده «در سوره کف» فرمود { ولا تقولوا لما تصف السستکم الکذب هذا حلال و هذا حرام } لئن قولوا علی الله الکذب ان الذین یفترون علی الله الکذب لا یفلحون {

« ترجمه » میگوئید آنچه زبانتان وصف کرده که این حلال است و این حرام برای اینکه دروغ بخدا می بندید حتماً کسانی که بخدا دروغ می بندند رستگار نمی شوند و نیز در احادیث شریفه و عید عقاب شد یاد الهی بر گفتن بر خدا بدون علم داده شده و حضرت امیر المؤمنین ع « میفرماید اگر از آسمان بیفتم و کرکس هاتن مرا براینند و نکه تکه کنند دوست تر نزد من است از آنچه بر رسول خدا بگویم که از بیغمبر نشنیده باشم با این آیات کریمه و احادیث شریفه بجه میزان

جاهلان منصفی مقام علمی نمی شوند و بدین اینکه رجوع باخبار
واحادث نمایند سخن میگویند تمام این احکام الهی از جرئیات
و کلیات آن روی یک مصالح و مفاسد جعل شده حقیر نمی خواهم
فلسفه احکام را بیان نمایم بلکه احوال اطباء که مضراتی از برای ریش
تراشیدن گفته اند نقل می‌کنیم
« احوال اطباء »

(در مضرات ریش تراشی)

نظر ما به آنکه فعلا منجد دین عمر طلافی بنیشر آشنای با کلمات
« موسیو فلان » هستند و با کلمات آئنه هدی سلام الله علیه سرو
کاری ندارند بلکه بسا میشود نعوذ بالله اطمینان نشان به جمله که نقل
شده « از دکتور فلان و اکتور فلان » بیشتر است از کلمات
معصومین ولذا قبل از آیات و اخباری که در این باب وارد شده
مقداری از کلمات اطباء ممالک خارجه را نقل مینمائیم در تاریخ (امریکا
در صفحه ۱۶۰) سجعان رومانی میگوید بعضی از این مردم امروز
از ریش تراشیدن خوششان می آید و حال آنکه گذاشتن ریش بهتر
است از تراشیدن بجهت اینکه نفاسی شهر « دکتور فینکور جرج »
گفته است از برای ریش مافع زیادی است از جمله دهان را حفظ
می‌کند و مانع از رطوبات میشود و دندانها و غده‌های دریا کیره نگاه میدارد
در روزنامه « العدل که در اسلامبول » نشر میشود در شماره یکصد
وسی و دوم بتاریخ - ۲۱ نوامبر ۱۹۱۱ - درج شده باین عبارت « ضد
حلق اللجیه » تألیف جمعیه فی انکسار المقاومة استعمال الموسی و من
مبادی هذه الجمعیه السعیه فی حمل الناس علی ارسال الخائم بحجة ان
الموسی تكون سببا من اسباب نقل العدوی والأمراض المعدیه وقد

طبعت هذه الجمعية منشوراً وزعته على كبار الانكليز واعيانهم وددعتهم فيه لتأييدها بارسال لحام حتى يتشبه بهم الشعب وقد وضعت في المنشور صورتين واحدة تمثل رجل حليق الذقن والاخرى تمثل رجل ذا الحية وجمعت كل المحاسن في الوجه الثاني كما ملئت لوجه الأول بالقبايح الخ « ترجمه » در اين روزنامه كه در اسلامبول منتشر ميشود برعليه وضد عادت ريش تراشي جماعتي در انگلستان انجمن نموده اند سخت جلو گيري ميفيند از كار كردن تيغي بر رخسار ريش تراشيان و از حمله تعليمهاي اسامي اين جماعت سعي و تلاش در اينكه مردمان را وادار كنند برها ساختن ريش و ترك تراشيدن آن بجهت اينستكه تيغهاي دلاكان مایه سرايه و تعدادي اراض مسريه است بلب و دهان و چهره و كلوي ريش تراشان درستي كه اين انجمن و روه جاب نموده و بر بزرگان انگليس و لوردهاي ايشان قسمت و بخشش نموده و ايشان را بمساعدت خود خوانده كه رها سازند ريشهاي خود را تا اينكه عموم ملت تقليد آنها و بيروي بنابند و در اين ورقه دو صورت جاب شده يكي تمثال مردی كه ريش خود را تراشیده است و در او جميع رشتها و بدنها را نابش داده و ديگري تمثال مردی كه ريش خود را رها ساخته و در او جميع زيبائيا و خوبيها را جلوه و نابش داده اند و نیز در (مجله المقدس) جاب دهمسفي در جلد هشتم صفحه (۱۴۴) اثبات نموده كه تيغهاي ريش تراشان نافل اراض و باعث سرایت دردها است بچهره و صورت مردمان نادرستي كه به تراشيدن ريش عادت نموده اند (عال سجعان وغيره) انهم خلقوا مرة لحي جميع مسخذي السكك الحد بدنه في ايام الشتاء فحصل لاكثرهم وجع ونخر في الأضراس والأسنان وورم في الغدد المعابية

(ترجمه) سجعان و اطباء د بکر مثل (د کتور جرج) گفته اند که در زمانی تراشیدند ریشها را کارکنان راه آهن در موسم زمستان بس بیشتر از اینها مینالا بدرد دندان و آماس و اورام سخی شدند در غده های که سرچشمه های اماب کلو و دهان است (سجعان) گفته که اهل این مملکت همیشه مبتلای بمرض زکام بودند بعد آن یکی از اطباء حاذق امر کرد مردم را که ریش بکنانند و آنها هم عملی نمودند بکلی زکام از ماس مردم بر طرف شد از این گونه اقوال اطباء زیاد است و احتیاج ندارم بزابد آن بعد از اینکه اخبار زیادی از ائمه هدی علیه السلام بر حرمة ریش تراشی وارد شده (استدلال بر حرمة ریش تراشی)
(از قرآن کریم)

(۶) از جمله استدلالات بایه کرمه (و اتباعه) لذا ابراهیم حنیفیه است در تفسیر علی بن ابراهیم قمی نور الله مضجعه از حضرت صادق علیه السلام روایت میکند که فرمود نازل کرد خداوند تبارک و تعالی بر حضرت ابراهیم حنیفیه را « الطهاره » که عبارت باشد از پاکیزگی که آن ده چیز میباشد پنج چیز آن راجع بسر است و پنج چیز راجع ببدن آن چیزها آنکه راجع بسر است

(اول) گرفتن شارب « سبیل » (دوم) گذاشتن ریش (سوم) تراشیدن موی سر (چهارم) مسواک کردن « پنجم » خلال نمودن و اما آن پنج چیزی که راجع ببدن است

« اول » تراشیدن مواز بدن « دوم » ختنه کردن « سوم » ناخن گرفتن « چهارم » غسل جنابة « پنجم » طهاره بآب و این ده چیز حنیفیه حضرت ابراهیم است که آورد برای امت خود و نسخ

نشده و نسخ نخواهد شد تا روز قیامت مجلسی علیه الرحمه در جلد (۱۶) بحار از طرق عامه مثل همین نقل میکند وجه استدلال بآیه شریفه این است که این ده چیز نسخ نشده و پیغمبر اسلام مأمور بوده است بمتابعت این ده چیز و دعوت کردن امت را بر آن و از جمله این ده چیز گرفتن شارب است که مستحب است و کسناشتن ریش که ممنوع است از تراشیدن آن اگر کسی بگوید سیاق روایت این است که دلالت بر حرمة نکنند بجهت اینکه روایت مشتمل است بر بعضی از امور

مستحبه دیگر جواب میدهم

«اولا» اینکه روایت مشتمل است بر غسل جنابه که از واجبات است «وثانیا» ظهور امر {اتع} در وجوب است مادامیکه ترخیهی از طرف خود شارع وارد نشده باشد و تفکیک فائل شدن بین فقرات روایتی که مشتمل است هم بر امور مستحبه و واجبه در کلمات اهل ادب عزیز الوجود نیست

(۲) دوم استدلال بآیه کریمه {وان تدعون الانبیاءا ناسریدا . لعنه الله و قال لا تخذن من عبادك نصیبا مفروضا ولا خاسمهم ولا مرنهم} و لا امرنهم فایبتکی آذان الانعام و لا امرنهم فایغیرن خانی الله { «ترجمه» یعنی نمدخواانده مگر شبطان سرکس را که مقت شیطان فرا کسیرم از بندگان تو بهره* که مقرر شده و هر آینه کمره کنم ایشانرا و نه آرزو اندازم ایشانرا و یفرمایم ایشانرا بس بپردازند ایشانرا کوشهای چهار بان و فرمایم ایشانرا بس تغیر میدهند خلی خدا را و وجه استدلال باین آیه بعد از تسایم در مقدمه است

اولا - اینکه ریس تراشیدن از جمله تغیر دادن در خلقی الله بوده باشد ثانیا - اینکه تغیر در هر خانی الله حرام بوده باشد مگر مواردی که

دلیل بر جواز بوده باشد مثل ختنه کردن و ناخن گرفتن که بقیه نسأ اینها از تغییر در خلق الله است و لکن خورد شارع تجویز کرده بلکه لازم الاجراء است بس در نتیجه این صغری و کسری آیه (وایغیرن الله) شامل این فعل شنیع میشود و ثابت میشود حرمتش بجهت اینکه ترخیص از طرف شارع نشده بلکه در اخبار زیادی نهی از این عمل شده و علاوه بر این تغییر خلق را که قسمی از آن تراشیدن ریش است شیطان لعنة الله علیه امر میکند برای اضلال کردن خلق و شیطان هیچوقت آدم را بر عمل مباح امر نمیکند همیشه بربك عملی امر میکند که باعث غضب الهی شود

« اخبار وارده »

(در حرمة ریش تراشی)

« ۱ » از جمله خبری است که روایت شده در قرب الاسناد که تألیف شیخ القمینی است و مجلسی علیه الرحمه از تهذیب که یکی از کتب اربعه و تألیف شیخ طوسی است نقل میکند

عن علي بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن علي بن ابي طالب عن اخيه موسى ع قال سألته عن اخذ الشارب اسنه هو قال نعم وسألته عن الرجل له ان يأخذ من لحيته قال اما من عارضيه فلا بأس وامامن مقدمه فلا

« ترجمه » اما علی بن جعفر راوی روایت جلالات و عظمت قدرش بحدی است که محتاج به بیان نیست و قبر شریفش معروف است در خارج « شهر قم » و لکن مجلسی ثانی اعتراض کرده بر پدرش که قبر ایشان بودنش در خارج قم صحیح ندارد بجهت اینکه روی قبر نوشته شده فلان بن فلان ابن علی بن جعفر بعد تمام آن است با پاک شده فقط

علی بن جعفر باقی مانده و اشتباه شده غرض مراد مجملی این است که این فبري که معروف به علی بن جعفر است یکی از اولادهای ایشان است فرمود علی بن جعفر سؤال کردم از برادرم موسی بن جعفر از گرفتن شارب آیا مسیحب است فرمود بلی و سؤال کردم از مردی جایز است از برای اوزدن و گرفتن ریشش را فرمود اما ازدو عارض « دوگونه » عیب ندارد و لکن از قدم عارض « صورت »

عیب دارد

« ۲ » از جمله اخبار خبری است که روایت شده در کتاب جعفریات تألیف ابی الحسن اسماعیل بن موسی بن جعفر ع * ع * مال محمد بن محمد ابن اشعث الکوفی عن ابی الحسن موسی بن اسماعیل بن موسی بن جعفر بن محمد عن حده علی بن الحسین عن ابیه عن علی بن ابیطالب ع * ع * مال رسول الله ص * حلق اللحية من المثله و من مثل فعلیه لعنة الله

« ترجمه » فرمود رسول خدا ص * تراشیدن ریش از فیل مثله است و هر کس مثله کند لعنت خدا بر او است یعنی کما اینکه مثله کردن که قطع اعضاء مخصوص است در شرع مقدس یکی از محرمات است و موجب لعن الهی میشود و حدود لعن از پروردگار باعث بغض و عقاب است همچنین تراشیدن ریش هم از فیل قطع اعضاء است و موجب غضب الهی و مورد عقاب است

« ۳ » از جمله اخبار خبری است که در مجلد * ۱۶ * بحار مجملی علیه الرحمه از کتاب کافی نقل میکنند عن علی بن احمد الدقانی عن الکلبی عن علی بن محمد عن محمد بن اسماعیل بن موسی عن احمد بن القاسم العجلی عن احمد بن یحیی المروفي یرد عن محمد بن حذاعي عن

عبد الله بن ابيوب عن عبد الله بن هسان عن عبد الكريم بن عمر الجمحي
عن حبابة الواليه قالت رأيت امير المؤمنين * ع * في سُرطة الخيل
ومعه دره وله سبابتان بضرب بها يباعى الجري والمارماهي والزميز
والطافي ويقول لهم بانياعي مسوخ بني اسرائيل وجمد بني مروان
فقام اليه فرات بن احنف فقال له ياه مؤمنين وما جند بني مروان فقال
اقوام حلفوا للحي وفتلوا السوارب مسخوا الخ

— ترجمه — حضرت امير المؤمنين * ع * با تازبانہ دوسرہ خود
فروشدند کان ماهیان حرام کوشت را میزدہ میفرمود ای فروشدند کان
مسوخ بنی اسرائیل و لشکر بنی مروان فرات بن احنف عرض کرد
یا امیر المؤمنین لشکر بنی مروان کیانند فرمود اهوای بودند که
ریشہایشان را می تراشیدند و سبایایشان را می تایدند و خداوند آنها
را مسخ کرد این روایت صریح در حرمت است بجهت اینکہ مسخ
شدن بشکل ماهیان حرام کوشت از معظم تر بن عذابها است و مسخ
شدن کہ از معظم عذابهای الهی است نمیشود مکر از برای ^{مکر} بک عملی
کہہ خیلی مهم و از کناہان کبیرہ باشد

« سیرہ قطعیہ »

(در قبح ریش تراشی)

اگر بانظر دقیق نکاو نمائی در تواریخ می یابی کہ از زمان حضرت
آدم تا زمان خاتم و این زمان در جمیع اعصار و ادوار تمام انبیاء و رسل
و اوصیاء و اولیاء صالحین حتی بعضی از سلاطین حقیق این معنی را نموده
و شنیده نشده کہ این عمل شنیع از احدی از این اشخاص سر برند
و اگر بانظر دقیق تر نکاوش نمائی می بینی کہ رؤسای مذہب
و مراجع اسلام از عامہ و خاصہ بلکہ قسیسین و رهبانین و علمای یہود

و غیر علماء یهود از ملل و ادیان خارجه این عمل شلیع را مرتکب نمی شدند بجهت اینکه آن اشخاصی که قائل بمذهب اسلامند البته چون باید بقوانین مذهبی خود عمل نمایند این عمل شلیع را ترک کرده و اما آن اشخاصی که بدین هم قائل نیستند علی کل حال چون این عمل دارای مضراتی است که شیخ عاقل مرتکب چیزی که مضراتی برای نفس است نمی شود و لذا فعلا در ممالك خارجه پرفسورها و اطباء حاذق آن کونه قوانینی که در اسلام ضرر دنیوی دارد مرتکب نمی شوند

نقل اجماع علماء شیعه

« در حرمة ریش تراشی »

اشخاصی که از علمای شیعه نقل اجماع بر حرمة ریش تراشی کردند
میر داماد قدس الله سره در رساله شارع النجاش فرموده تراشیدن
ریش حرام است

باجماع مسلمین و بهاء الملة و الدین شیخ بهائی در کتاب اعتقاداتش
فرموده تراشیدن ریش مثل بقیه کناهان کبیره است از قبیل قمار،
سجده رشوه و فرموده است احدی از علماء خدشه در این مسئله نکرده
است و بسا باشد که از ضروریات و مسلمات نزد همه است

نقل اجماع

« علمای مذاهب اربعه در حرمة ریش تراشی »

در کتاب (الابداع فی مضار الابتداع) ص ۴۰۷ تألیف شیخ علی
محقق که از علمای طراز اول جامع ازهر مصر میباشد نقل اجماع

كرده ازمذاهب اربعة برحرمة ريش تراشي وماعين كلمات صاحب كتاب را نقل ميكنيم فال(وقد اتفقت المذاهب الأربعة على وجوب توفير اللحية وحرمة حلقها والأخذ القرب منه

«الأول» مذهب الحنفية قال في الدر المختار ويحرم على الرجل قطع لحيته وصرح في النهاية بوجوب قطع ما زاد على الفبضة (بالضم) واما الاخذ منها وهي دون ذلك كما يفعله بعض المغاربة ومخنة الرجال فلم يبحه احدواخذ كلها فعل يهود الهند ومجوس الأعاجم اه (فتح) وقوله ما رواه ذلك يجب قطعه هكذا عن رسول الله ﷺ انه كان يأخذ من اللحية من طولها وعرضها كما رواه الامام الترمذي في جامعه ومثل ذلك في اكثر كتب الحنفية

« الثاني » مذهب السادة المالكية حرمة حلق اللحية وكذا فصحها اذا كان يحصل به مثله واما اذا طالت قليلا وكان القص لا يحصل به مثله فهو خلاف الاولى او مكروه كما يؤخذ من شرح الرسالة لأبي الحسن وحاشيته للعلامة العدوي رحمهم الله

« الثالث » مذهب السادة الشافعية قال في شرح العباب (فائدة) قال الشيخان يكره حلق اللحية واعترضه ابن الرفعه بأن الشافعي رضي الله عنه نص في الام على التحريم وقال الاذرعى الصواب تحريم حلقها جملة لغير عسلة بها اه ومثله في حاشية ابن قاسم العبادى على الكتاب المذكور

« الرابع » مذهب السادة الحنابلة نص في تحريم حلق اللحية فمنهم من صرح بان المعتمد حرمة حلقها ومنهم من صرح بالحرمة ولم يحك خلافا كصاحب الانصاف كما يعلم ذلك بالوقوف على شرح المنتهى وشرح من تلوم الأداب وغيرهما مما تقدم تعلم ان حرمة حلق اللحية هي دين

الله وشرعه الذي لم يشرع لحاقه سواه وان العمل على غير ذلك سفه وضلاله
 اوفسق وجهاله اوغفلة عن هدى سيدنا محمد صلى الله عليه وآله وسلم
 - ترجمه - شيخ علي محفوظ مدرس قسم تخصص جامع ازهر مصر
 در کتاب - الابداع في مضار الابداع - که این کتاب تمام بدعتیانی
 که در دین گذاشته شده نقل میکند حقیر نسخه اورا در نجف فقط
 بکنفر داشت چند ساعتی گرفتم و استفاده نمودم خلاصه میکند
 بتحقیق که اتفاق و اجماع کردند مذاهب اربعه بر وجوب گذاشتن ریش
 و حرمة تراشیدن ریش و گرفتن از ریش بحدی که نزدیک تراشیدن
 بوده باشد

(اول) از مذاهب اربعه مذهب حنفیه است که از ابوحنیفه نقل فتوی بر
 حرمت کرده بنده و در «در المختار» گفته حرام است بر مرد کندن و از بین
 بردن ریش را و تصریح کرده است در - نهایه - واجب است زدن
 زیاده از یک قبضه و اما گرفتن از ریش و کم کردن از یک قبضه کما اینکه
 این فعل اشخاصیست که در مغرب زمین ساکنند و فعل مخنثین است
 احادی مباح نکرده و گرفتن همه ریش را کما اینکه یهودیهای هند
 و مجوسهای عجم میکنند الخ

در کتاب - فتح - گفته است بیشتر از یک قبضه را واجب است
 قطعش همینطور بیغمبر * ص * می گرفت از ریش خود از طولش
 و عرضش همچنین روایت کرده امام ترمذی در کتاب جامع خود
 و مثل همین در بیشتر از کتب حنفیه است

«دوم» مذهب مالک است که حرام است تراشیدن ریش و همچنین
 زدنیکه صدق تراشیدن بکند، و اما اگر کمی دراز بشود و زدنش
 صدق تراشیدن نکند پس خلاف اولی یا مکروه بجا آورده همچنین

است در شرح رساله ابی الحسن و حاشیه او بر علامه عدوی
 « سوم » مذهب شافعی گفته است در شرح باب (فائده) شیخان
 گفتند تراشیدن ریش مکروه است و اعتراض کرده ابن رفاعه بر
 شیخان باینکه شافعی تصریح کرده در کتاب - الام - بر تحریم
 و اذرعی گفته صواب حرام بودن تراشیدن ریش است همه اش را
 بدون عله الخ و مثل همین گفته در حاشیه قاسم عبادی در کتاب مذکور
 « چهارم » مذهب حنبلی ها تصریح کرده اند بحرام بودن تراشیدن
 ریش بعضی از حنبلی ها تصریح کرده اند بدرستی که اعتماد کرده شده
 بحرام بودن تراشیدن ریش و بعضی تصریح کرده اند بحرام بودن
 تراشیدن ریش و خلاقی هم ننده مثل صاحب کتاب - الانصاف - مثل
 اینکه دانسته میشود این مطلب در شرح - المنتهی - و شرح - منظومه
 الأداب و غیر اینها و از این اقوالیکه ذکر شد دانسته میشود حرام
 بودن تراشیدن ریش و حرمت تراشیدن ریش از دین خداوند و شیخ
 او است که از برای خلق خود تشریع نفرمود مگر او را و عمل کردن
 بغير این - یعنی تراشیدن ریش - دیوانگی و کراهی است یافسق و نادانی
 است و یا غفلت از شریعت و راه آفای ما محمد * ص * است

تائیدات از اخبار

(بر حرمة ریش تراشی)

۱- از جمله اخباریست وارد شده از طرق عامه و خاصه بر نهی از
 تشبه بکفار و اعداء دین روایت کرده شیخ صدوق علیه الرحمه در کتاب
 (من لا یضره الفقیه) که یکی از کتب اربعه است و محل مراجعه امامیه
 بآن کتاب است « عن اسماعیل بن مسلم عن مولانا الصادق * ع * قال

اوحى الله الى نبي من انبيائه قل المؤمنین لا تلبسوا ملابس اعدائی ولا تطعموا مطاعم اعدائی ولا تسلكوا مسالك اعدائی ولا تأكلوا ما كل اعدائی فانکم اعدائی كما هم اعدائی

- ترجمه - حضرت صادق * ع * فرمود وحي نمود خداوند بیکي از انبیائش که مؤمنین بگو لباسهای دشمنان مرا نبوشید و غذاهاي دشمنهای مرا نخورید و طریقه و راه دشمنان مرا مکیرید والا دشمن من هستید کما اینکه آنها دشمن منند بس شباهت و مشاکلت با آنها حرام است از جمله طریقه آنها ریش تراشیدن است که حرام است و هر وحدى و مؤمنی این خطاب شامل او میشود و بر عهده او است که در مواردیکه تشجیص میدهد که از آداب آنها است اجتناب کند

- ۲ - دومین خبری که مؤید از برای حرمة ریش تراشی است خبری است که روایت شده در کتاب - معانی الأخبار - که شیخ صدوق نقل کرده باسناده « عن علي بن غراب عن ولانا الصادق * ع * عن ابيه عن جده قال رسول الله * ص * حنوا السوارب واعفوا اللحى ولا تشبهوا بالمجوس »

- ترجمه - فرمود رسول خدا * ص * بنزید سبیلها را ورها کنید ریش را این روایت صریح است در نهی از تشبه بمجوس بدلیل اینکه در خبر دیگر دارد « ان المجوس جزوا لحاهم و وفروا شواربهم و اما نحن فنجز الشوارب و نعفی اللحى و هي الفطرة »

- ترجمه - فرمود امام بدرستی که مجوس می تراشیدند ریشهایشان را و می گذاشتند سبیلها را و اما ما اهل بیت عصمت می زنیم سبیلها را و می گذاریم ریشها را و جایز نیست از برای مرد مؤمن و مسلم اینکه خودش را شبیه بمجوس نماید و ممکن است از لا تشبهوا یا لیهود که

در بعضی از روایات دیگر دارد استفاده شود برای آنکه اصلاً هیچ از ریش زده نشود و دراز شود کما اینکه بعضی از علمای یهود اصلاً مقرض هم نمیکند و این موجب آتش است در بعضی از روایات وارده و ما خواهیم بیان کرد بزودی که از یک قبضه زیادتر هم خالی از اشکال نیست

۳ - سومین و ویدیات مابر حرمة ریش تراشی خبری است که مجلسی عایه الرحمہ در جلد ۶ - بحار در باب مراسلات نبی بسوی ملک روم و فارس نقل کرده (انه کتب کسری الی - باذان - قهرمانه و هر - بانویه - و کان کتابا حاسباً و بعث معه رجلاً من الفرس یقال له - خرخسک - فکتب معهما الی رسول الله * ص * یا مروه ان ینصرف معهما الی کسری و قال لبانویه و یلک انظر الی الرجل و کلمه و اتنی بحره فتخرجا حتی قدما المدینه علی رسول الله * ص * و اعلمه بانویه و قال له ان شاهنشاه ملک الملوک کسری کتب الی الملک باذان یا مروه ان یبعث الیک من یأتیه به و قد بعثنی الیک لتنتقل معی فان قبلت اکتب فیک الی ملک الملوک بکتاب ینفعک و یکف عنک به و ان ابیت فهو من قد ~~کلمه~~ فهو مهلکک و مهلک قومک و مخرب بلادک و کانا قد دخلا علی رسول الله * ص * و قد حلقا لحاهما و اعقیا شواربها فکره النظر الیهما و قال و یلکما من امر کما بهذا قلنا امرنا ربنا یعینان بذلك کسری فقال رسول الله * ص * لکن ربی امرنی باعفاء لحیتی و قص شاربی الخ - ترجمه - خلاصه ترجمه این است که دو نفر ریش تراش و سبیل کلفت از جانب کسری بواسطه باذان عامل یمن وارد مجلس حضرت رسول * ص * شدند حضرت کراحت داشت که نگاه بصورت آنها فرماید فرمود کی شمارا این وضع امر کرده عرض کردند خدای

ما یعنی کسری پادشاه عجم رسول خدا * ص * فرمود پروردگار من
امر فرموده مرا باینکه ریش بکنم و قطع سیبها را بکنم این روایت
اصلاً دلیل میشود بر حرمت ریش تراشی بجهت اینکه بیغمیر * ص *
از کفار آتش یرست هم این عمل رازش داشت و امر الهی را بیان
فرمود و یقیناً این اشخاصی که مدعی دیانت هستند و زیارت امیر
المؤمنین میآیند و باصورت تراشیده داخل حرم میشوند حضرت علی
ابن ابیطالب * ع * از آنها رو بر میگرداند

« فئاوای علماء و مجتهدین »
(بر حرمة ریش تراشی)

پرواضح است که مسئله حرمة تراشیدن ریش از جمله مسائل مسلمه
بین فقهاء است بعد از اجماع بر حرمة از فریقین - عامه و خاصه و ما جمله
از اقوال علماء و اساطین سابق و لاحق را نقل میکنیم

« ۱ » محدث بحرانی صاحب حدائق در آخر طهارتش بعد از اینکه
اخبار وارده از ائمه علیهم السلام را بر حرمة ریش تراشی نقل کرده
فرموده (الثانیة الظاهر کما استظهره جملة من الأصحاب کما عرفت تحریم
حقائق اللحية لحبر المسخ المروی عن امیر المؤمنین * ع * فانه لا یقع المسخ الا
على ارتکاب امر محرم بالغ في التحريم)

حاصل کلماتش این است که ریش تراشیدن حرام است کما اینکه
بزرگان از اصحاب برآند از برای اینکه خری که روایت شده و قبلاً
مادر اخبار باب نقل کردیم خبر حضرت امیر المؤمنین * ع * بود
و قضیه مسخ شدن آن اشخاصی که ریش تراشیده بودند و مسخ در
شربعت و افع نمیشود مگر از برای فعل محرمی که بالاتر از او حرامی
نباشد « ۲ » علامه المحدثین شیخ حر عاملی علاوه بر عقد باب مسخ

دروسائل بر حرمة در کتاب - بدایة الهدایة - که خلاصه در آنجید
تراشیدن ریش را در عداد محرمات مسامحه شمرده
« ۳ » از جمله شیخ کبیر بنیخ جعفر کاشف الغطاء در باب آداب حلال
فرموده حرام است تراشیدن ریش و فرموده احدی مخالفت در این
مسئله نکرده

« ۴ » از جمله ملاحسن فیض در کتاب وافی بعد از اینکه اخبار باب
را نقل کرده فرموده جماعتی از فقهای مافتوای دادند بحرمة ریش
تراشیدن و اشتیهاد کرده اند بآیه (فلیعین) همچنانکه ما استدلال کردیم
« ۵ » از جمله محدث نوری علیه الرحمه در مستدرک الوسائل باین
منعقد کرده بر حرمة تراشیدن ریش

« ۶ » از جمله شیخ احمد احسائی در رساله حیدریه گفته است
تراشیدن ریش حرام و آداب مجوسی ها است

« ۷ » فاضل کلباسی فرموده حرام است تراشیدن ریش و کراهت
دارد دراز کردن ریش

« ۸ » علامه مجلسی در کتاب حلیة المتقین فرموده بدانکه سنت است
ریش را میانه بلند گذاشتن نه بسیار بلند و نه بسیار کوتاه زیاده از یک
قبضه مکروه است و احتمال حرمة نیز دارد و مشهور میان علماء آنست
که تراشیدن ریش حرامست و احوط آنست که اصلاح بسیار شدیده
که شبیه تراشیدن باشد نکنند

« ۹ » از جمله علامه بحر العلوم

« ۱۰ » و صاحب البدایع « ۱۱ » و صاحب الجواهر

« ۱۲ » و علامه انصاری در آخر جمیع المسائل فرموده تراشیدن

ریش حرام است و مقراضی کردن بطریق اصلاح چون خود شارع

تجویز کرده جایز است والا اگر ترخیصی از طرف شارع نبود ملحق بود بتراشیدن

« ۱۳ » از جمله فقیه جلیل سید عبد الله شبر کاظمی در کتاب احسن التقویم

« ۱۴ » شمس الفقهاء شهید اول در قواعد مسئله را مسلم دانسته
« ۱۵ » شیخ علی بن محمد بن الحسن بن زین الدین سبط شهید ثانی
در - در المنثور - مبحث مستغنی بر حرمة ریش تراشی عقد کرد
و اثبات آن را از اخبار کرده

« ۱۶ » آیه الله میرزا شیرازی و فاضل ایروانی
و آیه الله کوه کمری و آیه الله میرزا محمد تقی شیرازی و آقا شیخ زین
العابدین حائری

تمام این اعلام در رسائل خودشان حکم بحرمة ریش تراشی کرده اند
و در سؤالاتی که از هندوستان برای مرحوم حجة الاسلام آقا سید محمد
کاظم یزدی و مرحوم حجة الاسلام صدر اصفهانی و مرحوم حائری
مازندرانی استفاده شده در ریش تراشی تمام این حجج حکم بحرمة
ریش تراشی کرده اند و مرحوم صدر اصفهانی مرقوم فرمودند
حقیر خودم دیدم در یکی از اوراق جاب شده - هر که بفرماید حلق
لحیه - (تراشیدن ریش) حرام نیست با سواد علمی ندارد یا اظهار
فضیلت می خواهد بناید و از علمای عامه ابوالقاسم حسین بن محمد بن
المنفصل راغب اصفهانی در کتاب محاضراتش حکم بحرمة تراشیدن
ریش کرده آیه الله شیخ الشریعه اصفهانی در رساله خود بس از فتوی
بحرمت فرموده مسئله متسالم علیها بین فقها است و مرحوم آیه الله
شیخ المجتهدین میرزا محمد حسین نائینی فرمودند علاوه بر حرمت کمتر

از يك قبضه هم بی اشكال نیست و فعلا هم جميع علماء و مجتهدین نجف اشرف و کربلا تراشیدن ریش را حرام میدانند و احتیاح باینکه اسماء شریف آنها را ذکر نکنیم نیست و همچنین جميع علمای قم و مشهد تراشیدن ریش را حرام میدانند

بعد از این همه افعال علماء و بزرگان دین اگر کمی مخالفت کنند از دو حال خارج نیست یا اینکه میخواهد عناد و عصبیت بخرج دهد یا اصلا دین ندارد بجهت اینکه فرمایشات علماء و حامیان دین واجب الاطاعة است مثل این است که بیغمبر * ص * بیان نموده و شماها از خود اوشنیده اید این فقهای اسلام از بابش خود چیزی نمیگویند تمام را با مراجعه بکتاب اخبار میفرمایند مثل کتاب کافی که تألیف ثقة الاسلام مرحوم کلینی است که در زمان غیبت صغری این کتاب را تألیف کرده و بانواب خاص امام زمان که خدمت امام میرسیدند مخالفت و آمیزش داشته و تمام این احکام را از خانواده عصمت اخذ کرده

« مقدار گذاشتن ریش »

(در شریعت)

اما ظاهر اخبار و کلمات علماء در مکروه بودن زیاده ارقبضه است (روی ثقة الاسلام فی الوافی عن معلى بن خنيس عن ابی عبدالله * ع * قال ما زاد من اللحية من القبضة فهو فی النار ، وروی فی الوافی عن محمد ابن ابی حمزة عن ابنه عن ابی عبدالله * ع * قال ما زاد علی القبضة فی النار یعنی من اللحية ، وعن یونس عن بعض اصحابه عن ابی عبد الله * ع * ورواه فی الفقیه مرسل عن ابی عبدالله * ع * فی قدر اللحية قال تقبض بیدك علی اللحية و تجز ما فضل قال فی الوافی المراد بالقبض علی اللحية ان يضع یدہ علی ذقنه فیأخذ بطرفیه فیجز ما فضل من مسترسل

اللحمية طولاً لالقبض مما تحت الذقن وروي في الوافي وفي الفقيه عن محمد بن مسلم قال رأيت ابا جعفر * ع * والحجاء يأخذ من لحيته فقال دورها (از جميع اين اخبار استفاده كراحت ميشود بجهت اينكه امام معي فرمودند دريكي از روايات اگر كمبي زياده از قبضه ريش بكند از آن زياده در آتش است ملازمه ندارد كه خود آن شخص هم در آتش باشد و اختلاف در معنى قبضه هم شده است مرحوم فيض عليه الرحمه در وافي معنى كرده قبضه را بآنكه دستش را بكند بر دقش (جنه) و دو طرف ريش را بكيرد پس زيادى ها را بزند و معروف است شخصي سبي نشسته كتاب ميخواند ديد نوشته است كه دوجيز علامت حماقت است اول سر كوچك و دور دوم ريش دراز و پهن آن شخص قدري تأمل كرده و دستي بسر ريش خود كشيده ديد هر دو علامت دراو موجود است آهي كشيده فكري كرد باخود گفت سر من علاج ندارد كه بزرگ شود ولي علاج ريش را توان نمود بدون اينكه تأمل كند چراغ را بيش كشيده يك قبضه از ريش در دست گرفته بافي را بسمله جراح نزديك ساخت شعله بر ريشش كسوف دستش بسوخت دست رها كرده تمام ريشش سوخت و صورتش برشته شد و آه و ناله اش بلند شد فلم برداشته بحاشيه كتاب نوشت كه تجربه شد كه ريش دراز و سر كوچك علامت حماقت است و در اين عالم سر كلام حضرت صادق * ع * ظاهر شد كه اگر زباني ريش در آتش جهنم باشد بايد خودش هم بسوزد نه اينكه آن احق را در بهشت ببرند و درازي ريش او در جهنم آويزان است و نه اينكه وقتي ميخواهد داخل بهشت شود زيادي ريش را جيده در جهنم ريزد زيرا كه اهل بهشت جوان و امرد در نهايت حسن و جمال وارد بهشت ميشوند ظاهر اين

است که خود ریش دراز را بجهنم اندازند که مخالفت فطرت اسلام
نموده و خود را شبیه بیهود ساخته

روایات وارده

«در استحباب زدن سبیل»

درباب حرمة ریش تراشی بعضی از روایات که نقل شد مشتمل بر
کرفتن سبیل هم بود و روایات بالخصوص هم در کتب مختلفه وارد شده
در جلد - ۱۶ - بحار علامه مجلسی نقل می‌کند قال الصادق * ع *
اخذ الشارب من الجمعة الى الجمعة امان من الجنام وقال النبي * ص * لا
یطولن احدکم شاربه فان الشيطان يتخذہ مخبئاً يستتره وقال النبي
* ص * من لم يأخذ شاربه فليس منا من کتاب المحاسن عن الصادق
* ع * حلق الشارب من السنة

« ترجمه » فرمود حضرت صادق * ع * کرفتن سبیل از جمعه تا جمعه
دیگر امان است از مرض جنام فرمود بیغمبر * ص * احدی از شما
هر دم البته باید دراز نکند سبیلهايش را بدستیکه شیطان در زیر سبیلها
مسکن می‌کند و خود را بنهان می‌کند فرمود بیغمبر * ص * هر کس
نکیرد سبیلهايش را از ما اهل بیت نیست در کتاب محاسن از حضرت صادق
* ع * روایت شده تراشیدن سبیل مستحب است بعد از این همه
بیانات در ربار از بیغمبر * ص * وائمه معصومین خیلی بی انصافی
است که شخص عاقل و متدین بدین اسلام در پیرامون یکعه من خرافات
و خرافات حضرات صوفیه گردش کند و خود را مبتلا و اسیر یک
شخص بی سواد و بی لیاقت باسم مرشد که واقعاً مضل است نماید
ای برادران دینی تا کی تاجند بقوانین اسلام بشت پاخواهید زد چرا

این دستورات را عمل نمیکنید و دائماً دنبال هوی و هوس میگردید
 « خذوا زینتکم عند کل مسجد »

(در فضیلت شانه کردن ریش)

في تفسير العياشي عن أبي بصير عن أبي عبد الله * ع * قال سألتـه
 عن قوله تعالى خذوا زینتکم عند کل مسجد قال هو المشط عند کل
 صلوة فریضة و نافلة

« ترجمه » از ابی بصیر روایت شده گفت سؤال کردم از ابا عبد الله
 * ع * از معنی آیه - خذوا زینتکم عند کل مسجد - فرمود ابا عبد
 الله * ع * زینت کردن در هر مسجدی آن شانه کردن ریش است
 در وقت هر نمازی واجب باشد یا مستحب

عن عمار النوفلي عن ابيه قال سمعت ابا الحسن * ع * يقول المشط
 يذهب بالوبا قال كان لأبي عبد الله * ع * مشط في المسجد يتمشط به
 اذا فرغ من صلوته

« ترجمه » عمار نوفلی از پدرش نقل کرده گفت شنیدم: ابا الحسن
 * ع * را میفرمود شانه کردن مرض و بار را میرد و فرمود از برای ابا
 عبد الله شانه بود در مسجد وقتی فارغ از نماز میشدند شانه میکردند
 - و كان رسول الله * ص * يصرح تحت لحيته اربعين مرة و من فوقها
 سبع مرات و يقول انه يزيد في الذهن و يقطع البلغم

« ترجمه » بیستم * ص * شانه میکردند زیر ریش مبارکش از
 جهل مرتبه و از بالای ریش مقدسشان هفت مرتبه و میفرمودند شانه
 کردن ذهن را زیاد میکند و بلغم را بر طرف میکند و لذا تجربه شده
 که این اشخاصی که ریش میتراشند چون موضوع نیست تا شانه بکنند
 از این فوائد محرومند و غالب ریش تراشها بلغمی و بیمار هستند و دائماً

هم مبتلا بنندان درد میشوند

قال الصادق * ع * فی قوله * ص * خذوا زینتکم عند کل مسجد
قال تمشطو فان المشط یجلب الرزق ویحسن الشعر وینجز الحاجه
ویزید فی الصلای و یقطع البلع

« ترجمه » فرمود حضرت صادق * ع * در ذیل آیه شریفه خذوا
زینتکم عند کل مسجد شانه کنید بدرستی که شانه کردن روزی را
زیاد میکند و موها را نیکو میکند و حاجات بر میآورد و اولاد را زیاد
میکند و بلغم را قطع میکند پس شخص ریش تراش از این فوائدی
که امام صادق * ع * فرموده محروم است
قال الصادق * ع * مشط الرأس ینذهب بالواو و یسقط اللجیه شیء
الاضراس

« ترجمه » فرمود شانه کردن سر و بار را میرد و شانه کردن ریش
دندانها را محکم میکند و لذا گویند آن طبیب یونانی گفت اگر ریش
تراشی نبود در بین مردم اصلاً این دندانها باین عمرهایشان کفایت
نمیکرد و قال ابو الحسن موسی بن جعفر * ع * اذا سرحت لحیتک
ورأسک فامر المشط علی صدرك فانه ینذهب بالهم والوا

« ترجمه » فرمود موسی بن جعفر * ع * در وقتی که شانه میکنی
ریش خودت را و سرت را بس مرور بده شانه را بر سینه ات بس
بدرستی که هم غم و واه را میرد بس ای مدعی دیانت اقل این کلمات
در بار اهل عصمت را که از طرف خدا میگویند و از خودشان اصلاً
سخنی نمیگویند تماش از جانب حکیم مطلق جل شأنه میباشد در بونه
عمل بگذارید و هیچ مصرف هم ندارد جزرها کردن هوی و هوس

« فضائل وفوائد مسواک کردن »

في كتاب امالي الصدوق عن المفضل عن الصادق * ع * قال عليكم بالسواك مطهرة وسنة حسنة الخ في * ناهي النبي * ص * انه قال ما زال جبرئيل يوصيني بالسواك حتى ظننت انه سيجعله فريضة

— ترجمه — در كتاب امالي شيخ صدوق عليه الرحمه از مفضل از حضرت صادق * ع * مروی است فرمود امام صادق بر شما باد بمسواک کردن بجهت اينکه پاک کننده است وسنت نيكوئيست فرمود بيمبر * ص * هميشه اوقات جبرئيل * ع * وصيت ميكند مرا بمسواک کردن بچوريكه كمان كردم خدا واجب کرده مسواک را

في علل الشرايع عن ابى جعفر * ع * قال قال رسول الله * ص * لو لان شق على امي لا رتم بالسواك مع كل صلاة
« ترجمه » از حضرت اباجعفر * ع * مروی است كه فرمود حضرت رسول * ص * اگر دشوار نبود بر امت من هر آينه امر ميكردم اينهارا بر مسواک کردن باهر نمازي كه ميخوانند

قال ابو جعفر * ع * لكل شيء طهور و طهور النعم السواك
— ترجمه — فرمود اباجعفر * ع * از براي هر چيزي پاک کننده ايست و پاک کننده دهان مسواک کردن است

عن النبي * ص * قال اربع من السنن المرسلين العطر والنساء والسواك والحنا

« ترجمه » فرمود بيمبر * ص * چهار جيز از سنن ومستحبات بيمبران وفرستاده شدگان از جانب خدا است عطر زدن وزن گرفتن ومسواک کردن وحنا مالیدن

وقال النبي * ص * السواك فيه عشر خصال مطهرة للنعم مرضات

للرب يضاعف الحسنات سبعين ضعفا وهو من السنة ويذهب بالحفر
ويبيض الاسنان ويشد اللثة ويقطع الباسم ويذهب بنشاوة البصر
ويشهي الطعام

— ترجمه — فرمود بیغمبر « ص » مسواک کردن در او ده خصیلت وفائده
است (اول) پاک کننده دهن است (دوم) خوشنودی خدا در او
است (سوم) کارهای خوب و نیکوئی مسواک کننده ثوابش هفتاد
برابر میشود (چهارم) اینکه از مستحبات است (پنجم) زردی های
روی دندان را میبرد (ششم) دندانها را سفید میکند (هفتم) لثه ها
را محکم میکند (هشتم) بلغم را رفع میکند (نهم) پرده از جلوی چشم
برداشته میشود (دهم) اشتها بطعام پیدا میکند

از این قبیل روایات در فضیلت و خاصیت مسواک کردن بقدری زیاد
است که قلم ریا را یاری نوشتن نیست و شارع مقدس اسلام تمام احکام
راحتی احکام بیت اخلا رفتن را برای من و شما فرموده و لکن امامت
هوئی خواه غافلیم از خواص آئین اسلام فعلا خارجیا استفاده بیشتر
میکنند از فرمایشات بیغمبر مایعنی از این اموری که فوائد دنیوی دارد
مثل مسواک کردن و عطر زدن

« فضیلت و فوائد عطر زدن »

در کتاب طب الأئمه روایت شده « لما عرج بالنبی فتقطر عرقه الی
الأرض فانبت من العرق الورد الأحمر فقال رسول الله « ص » من
اراد ان یشم رائحتی فلیشم الورد الأحمر

— ترجمه — موقعی که بیغمبر « ص » بمعراج میرفتند عرق کردند
بس قطره های عرق مبارکشانش بزمین ریخت بس از آن عرق کل
قرمز (کل تمدی) روئید بس فرمودند که هر کس که میخواهد

بوی مرا استنشام کنند کل قرمز را ببوید

قال رسول الله « ص » الريح الطيبة تشد القلب وتزيد في الجماع
- ترجمه - فرمود پیغمبر « ص » بوهسای پاکیزه از قبیل عطریات
قلب را محکم میکند و جماع را زیاد میکند

في الخصال عن ابي عبد الله « ع » قال ثلاث يسمن وثلاث يهزلن
فاما التي يسمن فادمان الحمام وشم الرائحة الطيبة ولبس الثياب اللينة
فاما التي يهزلن فادمان اكل البيض والسمن والطلع

- ترجمه - اباعبد الله « ع » فرمود سه چیز انسان را جاق و فربه
میکند (اول) زیاد حمام رفتن (دوم) بوئیدن عطریات (سوم)
لباسهای نرم پوشیدن و سه چیز انسان را لاغر میکند (اول) زیاد
تخم مرغ خوردن (دوم) ماهی خوردن (سوم) طلع درخت خرما
خوردن که قبل از رسیدن باشد در حالت بمر بودن و مخفی نماند که
شارع مقدس زنان را منع از استعمال عطریات کرده در موقع بیرون
رفتن از منزل و لکن در منزل از برای شوهرهای خود هر گونه آرایش
کنند مجازند از طرف شارع و سرش پرواضح است در کتاب میل
جنسی در زن و مرد « بیولوژی عشق و ازدواج » ترجمه عبد الله توکل
در صفحه ۷۵- نوشته عطر یکی از بهترین داروهای آرایش و خود
فروشی است بوی طبیعی بدن زن حس شهوت را تحریک میکند .
بوی سنبل کوهی کربه ها را بسوی خود میکشاند بس بنابراین زن
مسلمان نباید در موقع بیرون رفتن از خانه عطر بزند
« فلسفه امر بمعروف و نهی از منکر »

ای اشخاصی که متدین بدین اسلام هستید و شبانه روز در پنج وقت
نماز میخوانید و سال یکمرتبه روزه میگیرید بدانید که امر بمعروف

و نهی از منکر هم یکی از واجبات است که بر هر فرد مسلمی واجب است انجسام وظیفه کند فقط مخدع بزرگوار و علمای دین نیست بلکه بر جمیع مسلمین است که اقدام کنند باین امری که خود امام فلسفه او را بیان نموده (بعبارت واضحتر که خیال نکنی اسم فلسفه از او ریا آمده) آن فوایدی که مترتب بر امر بمعروف و نهی از منکر است خود شارع بیان نموده

في التهذيب والوسائل عن أبي جعفر * ع * قال يكون في آخر الزمان قوم يتبع فيهم قوم مراءون الى ان قال ولواضرت الصلوة بساير ما يعملون باموالهم وابدانهم لرفضوها كما رفضوا اسمي الفرائض واسرفها ان الامر بالمعروف والنهي عن المنكر فريضة عظيمة بها تقام الفرائض هنالك يتم غضب الله عز وجل عليهم فيعمهم بعقابه فيهاك الأبرار في دار الأشرار والصغار في دار الكبار ان الامر بالمعروف والنهي عن المنكر سهيل الأنبياء ومنهاج الصالحاء فريضة عظيمة بها تقام الفرائض وتأمين المذاهب وتحل المكاسب وترد المظالم وتعمر الأرض وينتصف من الأعداء ويستقيم الأمر الخ الحديث

— ترجمه — در تهذيب و در وسائل از حضرت اباجعفر * ع * روایت شده فرمود در آخر الزمان گروهی میباشند که بیروی کرده میشوند در ایشان گروهی که ریا کننده اند تا اینکه فرمود اگر نماز ضرر برزند بکارهایشان و باموالشان و بدنهایشان هر آینه ترك میکنند نماز را مثل اینکه ترك کردند بالاترین واجبات را و شریفترین واجبات را بدرستی که امر بمعروف و نهی از منکر واجب بزرگی است که بواسطه او اقامه واجبات میشود در این موقع که ترك میکنند بسر میرسد غضب خداوند تبارک و تعالی بس عذابش شامل همه میشود پس هلاک

میشوند خوبان درخانه بدان و کوجکان « بجه های بی کناه » درخانه
بزرگان بدرستی که امر بمعروف و نهی از منکر راه بیغمیران است
و طریقۀ صلاح و خویان است و اجبی است بزرگ بواسطه اوقافه
واجبات میشود و مأمون میشود و طرق و راه ها و حلال میشود
کسبها ورد کرده میشود ظلمها و معصوم میشود زمین و انصاف گرفته
میشود از دشمنان و مستقیم میشود کارها

عن علي بن ابراهيم عن هرون بن مسلم عن مسعدة بن صدقة عن
ابي عبد الله * ع * قال قال النبي * ص * كيف بكم اذا فسدت نساءكم
وفسق شبابكم ولم تأمروا بالمعروف ولم تنهوا عن المنكر فقیل له ویكون
ذلك یارسول الله فقال نعم وشر من ذلك كيف بكم اذا امرتم بالمنكر
ونهيتم عن المعروف فقیل له یارسول الله ویكون ذلك قال نعم وشر
ذلك كيف بكم اذا رأیتم المعروف منكرا والمنكر معروفا

— ترجمه — علی بن ابراهیم قمی بسند خود از حضرت صادق * ع *
روایت میکند که امام صادق فرمود بیغمیر * ص * فرمود چه میشود
شمارا در وقتی که زنهای شما فاسد شوند و جوانهای شما فاسق و شما آنها
را امر بمعروف و نهی از منکر نمیکنید پس گفته شد یارسول الله
میشود اینطور شود پس فرمود بلی بدتر از این شمارا چه شود وقتی
که امر میکنید مردم را بکارهای بد و نهی میکنید از کارهای خوب
پس گفته شد یارسول الله میشود اینطور شود فرمود بلی بدتر از
این شمارا چه شود در وقتی که کارهای خوب و زیارا بد و زشت میبینید
و کارهای زشت و بد را خوب و زیبا روایات در باب امر بمعروف
و نهی از منکر زیاده از حد است

ولکن عمل کرده نمیشود اسلام در موقعی قوت میگیرد که این

مناسبت از مابین مردم رفع شود تا این گونه بی ناموسی ها و لا ابالی گریها در مابین مردم رفع نشود اصلاح نخواهد شد چرا موضوع حجاب را تعقیب نمیکنید مگر هر روز قرآن نمیخوانید چرا میخوانید صرف خواندن که نیست نرول قرآن برای عمل کردن با احکام الهی است همانطوریکه نماز میخوانید باید امر بمعروف و نهی از منکر هم بکنید و الاکن با شرائطش تمام این مناسبتی را که امروز می بینید از این کشف حجاب پیدا شده بجهت اینکه آن زنی که خود را آرایش میکند و در خیابانها گردش میبرد دل هزارها جوان را می رباید و جوان هم درازاء آن خود را درست کرده ریش می تراشد سرافسار « کروات » می اندازد با تمام بی شرمی و بی شرفی عشق بازی می نابد ای متمسکن بی تمسکن چرا هم خوابه خود را بخوابانها و استخرها و سینماها و تئاترها میفرستی و دختر خود را بدیستان که جز درس عشق بازی یاد نمی گیرد رها میکنی خودت فکر کن وجدانت قبول این معنی را می کند یا نه چرا باید در مملکت اسلامی این مقدار مسکرات بفروش رود این شرابهایی که غیر از ضرر دنیوی و اخروی فایده دیگر ندارد و خداوند تبارک و تعالی در کتاب مجیدش حرمت شرب آنرا بیان نموده باینحال اگر بمرکز ایران که طهران است روی و همینطور بعضی از شهرهای دیگر مغازه های مشروب فروشی بیشتر است از مغازه های کتاب فروشی

ای اهل مشهد و مجاورین قبر علی بن موسی الرضا چرا باید کار خانه مشروب سازی در آن سرزمین بوده باشد و هیچ گفته نشود چرا از مجاورین قبر خواهرش حضرت معصومه تعلیم نکر فتید با تمام مردانگی مفتوت دکاکین عرق فروشی را منضمحل کردند و افعلاً هم نتیجه چه

آوردند بکوشید در اظهار حقایق و هدایت کمره‌ان
« قولوا الحق ولو كان علی انفسكم »

(نکته قابل توجه)

یکی از محرقاتی که در نماز مسلمان و شیعیان امیر المؤمنین (ع) قبحش
رطرف شده مسئله ردیر است که اصلاً اهمیت باین محرم بزرگ داده نمی‌شود
تمام بی‌شرعی از تمام طبقات مرتکب این عمل شنیع هستند و می‌گویند
خپارش که عیبی ندارد و لکن غافلند از اینکه اصلاً وضع رادیو از
رای غافل کردن جامعه اسلام است از ذکر خدا و احکامش و علاوه
لش دارید چشم دارید می‌شنوید که روز و شب جز ساز و نوازی
که باعث فساد اخلاق زن و فرزند و غفلت آنان از ذکر خدا فائده دیگر
دارد و اصلاً هتک بکتاب آسمانی می‌شود ؟

بجهت اینکه جنس سوره از قرآن مجیدم اگر خوانده شود
مدش رقص دختر مصری و ویلون زدن و ساز نواز است و حال
نکه اگر قبل از آیات قرآنی قرائت شده نهی از تمام این اعمال
نهی می‌کند و خلاصه بکوشید در رفع این مفاسد تا کی عبرت نمی‌گیرید
برگزمر کی از برای خود تصور نمی‌نمائید و گرنه ساعتی قرار
فواهیید گرفت بدانید آن چیزهایی که وسیله از برای نشر اعمال
نهییه است بجامعه « از قبیل ویلون زدن و ساز و نواز و خواندن زن
مصری » حرام است بانفاق جمیع علماء و هر کس مخالفت نماید از دو حال
خارج نیست یا اینکه مدارك احکام را نمی‌فهمد و یا اینکه هری پرست
و هوی خواره است

آزادی فحشاء

در کشور ایران

جرا باید در کشور ایران که مذهب رسمی مردم تشیع و دین رسمی مردم اسلام است در هر شهری فواحش بوده باشد بطوریکه اصلاً آزاد باشد و دوات هم در کارهای آنها نظارت داشته باشد و لهذا می‌کوشد که از شیوع سوزاک و سفلیس جلوگیری کند اما بدبختانه این کار سودی ندارد و فواحش جوانان را روز بروز بیچاره تر می‌کنند در بعضی از کشورهای دنیا که بوی اسلام هم بدماغشان نخورده دوات صاف و صریح فحشاء را ممنوع داشته ولی متأسفانه کشور ایران که مرکز تشیع و علوم آل محمد است باید در هر شهری محل مخصوص بنام « شهر نو » مهیا و آماده باشد از برای برآوردن عفت و منقطع کردن نسل عده از جوانان

بدانید ای مدعیان دین اسلام تاروزی که « شهر نو » در کشور شماها وجود دارد « هیچ انجمن مبارزه با فساد » نخواهد توانست کاری از پیش برد بدبختانه باید اعتراف کرد که ایران کنونی مرکز نقل بیماریهای آمیزشی در خاور میانه شده است و سرنوشت « اهواز » و « آبادان » از بندر « مارسیل » « فرانسه » بدتر است و سرنوشت تهران را همه ما میدانیم و مؤلف کتاب « بامن بشهر نو بیائید » خوب مطالب را آفتابی نموده و یک ننگ بزرگی است از برای جامعه اسلام و یقین بدانید که این کتاب بزبانهای دیگر ترجمه میشود و فضاحت آن عالم گیر میشود و لهذا بکوشید در رفع کردن این عفریتهای شهر نوی و میکروبهای سوزاک و سفلیس و دوات ایران اگر علاقه داشته

باشد که چو آنانرا از بدبختی نجات دهد و نکذارد که در سال شصت هزار نفر برای مهاجرت سوزان و سفایس شان به بیمارستان نجات بروند باید جاره بیندیشد و شهر نو را از میان بردارد به عقیده حقیر این است که باید حتی القوه این کار را انجام داد برای خاطر بقای نسل ایرانی و باقطع نظر از جنبه دیانت آیا وجدان شخص عاقل راضی میشود برای آنکه ناموس دیگران را در یکشب اشخاص متعدده با او عشق ورزند و الا در کتاب آسمانی که نازل بر پیغمبر اسلام شده نهی از نظر کردن بنا محرم نموده حتی پوشانیدن زن چشمش را از مرد نامحرم تاجیه رسد باین بی ناموسی ها خلاصه بکوشید در قطع کردن بنیاد این بی عفتی ها تا که باعث عذاب و عقاب اخروی است

محل مسئله کردن (یا سالون آرایشگاه)

در سالون آرایشگاه سلمانیه ریش می تراشند و لکن پیغمبر * ص * فرموده مثله می کنند و هر کس مثله کند لعنت و غضب الهی بر اوست آن شخصی که سالون آرایش می آید و حاضر میشود برای تراشیدن ریش خود مبتلا به عذاب اخروی و امراض دنیوی میشود و لکن سلمانیه و آرایش دهنده علاوه بر عذاب اخروی اجرتی را که در مقابل عمل تراشیدن ریش غیر میگیرد حرام است و مالک آن نمیشود و لباسائی که با آن وجه میخرد غصبی است و تمام اعمالش از قبیل نماز و حجش باطل است بجهت اینکه اجرت بر عمل محرم حرام است باجماع تمام فقهاء مسلمین مثل اجرت گرفتن بر صنایع آلات قمار و ساختن مشروبات و السلام علی من اتبع الهدی

فهرست

صفحه	عنوان
۶	مضرات کتمان احکام شرعیه
۷	وظیفه جاهلان در احکام شرعیه
۸	خطای جاهلان در احکام شرعیه
۱۰	اقوال اطباء در مضرات ریش تراشی
۱۲	استدلال بر حرمة ریش تراشی از قرآن کریم
۱۴	اخبار وارده در حرمة ریش تراشی
۱۶	سیره قطعیه در قیخ ریش تراشی
۱۷	نقل اجماع علماء شیعه
۱۷	نقل اجماع علماء مذاهب اربعه در حرمة ریش تراشی
۲۰	تائیدات از اخبار بر حرمة ریش تراشی
۲۳	فتاویٰ علماء و مجتهدین بر حرمة ریش تراشی
۲۶	مقدار گذاشتن ریش در شربعت
۲۸	روایات وارده در استحباب زدن سبیل
۲۹	در فضیلت شانه کردن ریش
۳۱	فضائل و فوائد مسواک کردن
۳۲	فضیلت و فوائد عطر زدن
۳۳	فلسفه امر بمعروف و نهی از منکر
۳۷	نکته قابل توجه
۳۸	آزادی فحشاء در کشور ایران
۳۹	محل مثله کردن یا (سالون آرایشگاه)

غلط نام

صحيح	غلط	سطر	صفحہ
سعادت مندی	سعادت مندی	۱۰	۳
اکثر	اکثر	۱۲	۳
ممکنات	ممکنات	۲	۶
حفظ	حفظ	۱۸	۱۶
یشود	یشود	۲۲	۱۹
دشمنان	دشمنان	۶	۲۱
این	این	۳	۲۲
پرست	پرست	۴	۲۳
یقیناً	یقیناً	۵	۲۳
استشهاد	استشهاد	۸	۲۴
استفتاء	استفتاء	۱۵	۲۵
طرق	طرق	۴	۳۵
رادبو	ردبو	۲	۳۷
خدا	خد	۷	۳۷
این آیات	آ این یات	۱۱	۳۷

کتاب دیکر وٹلے کے بعد
بطلع خواہد رہے

سین الزیوہ

فی الاداب والادب

فردی - نوعی - اجتماعی

عنوان مرادلات

خف آشرف - ہارسہ سہل

239E

DUE DATE

1945/10

--	--	--	--

